

تهدید، اجبار، تلقین یا متقاعد کردن؛ کدام یک؟

# ارزش و نحوه انتقال آن

پروین داعی پور

## ارزش چیست؟

اتفاقات زیادی والدین و اولیای تربیتی را نگران و متحیر می‌سازد که بالاخره کی فرزند یا دانش‌آموز ما بزرگ می‌شود یا کی یاد خواهد گرفت که مسئولیت‌هایش را مهم بشمارد و کارهایش را بدون تذکر یا فشار ما انجام دهد. این احساس زمانی شکل می‌گیرد که بزرگسالان با رفتاری از نوجوان خود روبه‌رو می‌شوند که منعکس‌کننده احترام یا پای‌بندی آن‌ها به اصول و امور مهم والدین یا معلمان نیست. به عبارت دیگر، ارزش‌های خانوادگی یا اعتقادی آن‌ها رعایت نشده است. بهترین مثال در این باره، زمانی است که بچه‌ها به وظایف و مسئولیت‌های خود بی‌اعتنایی می‌کنند یا متفاوت عمل نمایند. تذکر «پاشو، وسایلت را جمع کن!» با پاسخ «باشه، الان...» سرسری گرفته می‌شود

گوش‌ها از کلمه ارزش پر است و خیلی‌ها درباره نحوه انتقال آن چیزی نمی‌دانند. نه این که ادعا داشته باشیم در این هنگامه دقیقاً به مفهوم و نوع انتقال ارزش واقف هستیم، اما چون برای خود ما سؤال پیش آمد، خواندیم، فکر کردیم و آن را با دیگران در میان گذاشتیم، برایمان گفتند و نوشتند تا به نکات کوچک کاربردی رسیدیم که به نظر می‌رسد دانستنش به اولیای تربیتی کمک می‌کند تا حداقل بدانند اصلاً ارزش یعنی چه و نحوه انتقالش چگونه است. شاید در پی خواندن آن به اهمیت این موضوع بیشتر پی ببرند، فکر کنند و خود به راه‌های بهتری دست یازند.



نوجوانان با دقت در رفتار  
اولیای خود و متناسب با  
شخصیت و تجارب خود  
تعدادی از ارزش‌ها را  
می‌پذیرند

کنند. انسان‌ها اعمالی را انجام می‌دهند که ارزش‌هایشان با آن مطابقت دارد و از اعمالی که با ارزش‌هایشان در تضاد و تعارض است، پرهیز می‌کنند. انسان‌ها درباره ارزش‌هایشان با یکدیگر به گفت‌وگو می‌پردازند و از آن دفاع می‌کنند و اگر براساس آن عمل نکنند، دچار احساس گناه می‌شوند. افراد براساس ارزش‌هایشان رفتار می‌کنند، تصمیم می‌گیرند، دست به قضاوت و ارزیابی می‌زنند و خلاصه کلام زندگی می‌کنند.

برای مثال، اگر در خانواده‌ای «رسیدن به تحصیلات عالی‌ه برای دختر و پسر» یک ارزش باشد، آن‌گاه به دنبال بهترین مدرسه‌اند؛ هزینه می‌کنند، در صورت لزوم معلم می‌گیرند، شرایط خانه را به سود خود تغییر می‌دهند، تشویق می‌کنند و...

یا اگر برای کسی «حفظ سلامتی» ارزش باشد، آن‌گاه به طور منظم ورزش می‌کند، رژیم غذایی مناسب را در پیش می‌گیرد، از مواد مخدر، سیگار و الکل دوری می‌جوید و به مصرف درست میوه و سبزیجات روی می‌آورد.

### پی‌ریزی ساختمان ارزش‌ها

آرزوی اولیای تربیتی آن است که فرزندانشان را پای‌بند ارزش‌هایشان ببینند. شروع جدی شکل‌گیری نظام ارزشی همزمان با دوره نوجوانی یا همان دوره «هویت‌یابی» است. نوجوانان با دقت در رفتار اولیای خود و متناسب با شخصیت و تجارب خود تعدادی از ارزش‌ها را می‌پذیرند و ممکن است در مقابل تعدادی دیگر مقاومت نشان دهند. در مواقعی هم نوجوانان به علت فشار گروه هم‌سالان، تقلید، سرکشی در مقابل بزرگ‌سالان و یا حتی فشارهای اجتماعی برخلاف ارزش‌هایشان عمل می‌کنند. بنابراین بایستی صبور بود و اجازه داد تا فرایند شکل‌گیری این نظام به پایان رسد. به طور معمول، انتظار می‌رود با پایان دوره نوجوانی و با شناختی که او از خود پیدا کرده، نظام ارزشی نیز شکل گرفته باشد.

### مراحل تدریجی انتقال ارزش‌ها

نکته و سؤال مهم برای اولیای تربیتی چگونگی انتقال ارزش‌هاست؛ این که چگونه بدون فشار یا تهدید یا اجبار یا تلقین و القا و حتی تقلیدهای کورکورانه می‌توان نوجوان را در پیروی از ارزش‌ها متقاعد کرد؟ تا وقتی که بالاخره درمی‌یابند راهش آرام آرام خوراندن، چکه چکه ریختن،

و با یادآوری مجدد و در بعضی مواقع قیل و قال، کار با کراهت انجام می‌شود و شاید هم نشود. این جاست که والد می‌ماند تا کی بایستی وظایف کوچک را یادآوری کند؟ پس فرزند او کی احساس مسئولیت پیدا می‌کند. یا معلمی که مدام بایستی به گوش شاگردانش بخواند، به طوری که اگر تذکر داد و دنبال کرد نتیجه‌اش را می‌بیند؛ اما به محض این که رها می‌سازد، سطح رفتار یا توان تحصیلی به همان نقطه اول برمی‌گردد. در این صورت معلم درمی‌ماند که تا کی بایستی مدام این شاگرد را کنترل و مدیریت کنم؟ چرا متوجه خیر و صلاح و آینده خودش نیست؟

احساس مسئولیت، رعایت حق دیگران، احترام به خود و دیگران، اهمیت به قواعد خانوادگی و اجتماعی، انجام وظایف محوله و ده‌ها مورد دیگر، ارزش‌هایی محسوب می‌شوند که خانواده یا مدرسه واجد آن هستند و مایلند این ارزش‌ها را در فرزندان و شاگردان خود نیز ببینند

### ارزش یا عقاید

ارزش‌ها، همان عقاید، باورها و اصولی هستند که از نظر فرد پررپها می‌نمایند. همان کیفیات و ایده‌هایی هستند که افراد احساس عمیقی در مورد آن‌ها دارند و اگر از خیلی امور بگذرند از این‌ها نمی‌توانند دست بردارند. ارزش مفهوم می‌است که فرد آزادانه انتخاب می‌کند؛ هر چند تعالیم خانوادگی و تجارب متعدد بر روی آن تأثیر زیادی دارند. مجموعه ارزش‌هایی که فرد از منابع متعدد کسب می‌کند، «نظام ارزشی» او را می‌سازد. با تکیه بر این نظام ارزشی است که فرد با یک موضوع موافقت یا مخالفت می‌کند، درباره اتفاقات یا دیگران دست به قضاوت می‌زند، مطابق با آن‌ها تصمیم می‌گیرد، رفتار خود را هدایت می‌کند، هم‌صحبت خود را برمی‌گزیند، افرادی را به عنوان دوست یا شریک زندگی انتخاب می‌کند و... یعنی ارزش و نظام ارزشی تقریباً همه جوانب زندگی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

خانواده مهم‌ترین و قوی‌ترین منبع کسب ارزش‌ها محسوب می‌شود. بچه‌ها ارزش‌های شخصی و اجتماعی را در وهله اول از خانواده فرا می‌گیرند. بعد بر اثر تعاملی که با مدرسه، اطرافیان، فرهنگ و تعالیم مذهبی پیدا می‌کنند، آن را تکمیل ساخته یا تغییر می‌دهند.

ارزش‌ها در افراد متفاوت‌اند و به همین لحاظ نسبی‌اند؛ یعنی با گذر زمان و شرایط می‌توانند تغییر



## انسان‌ها اعمالی را انجام می‌دهند که ارزش‌هایشان با آن مطابقت دارد

کم کم فهماندن، به تدریج دادن و آهسته آهسته تزیین کردن است.

اولین قدم در انتقال ارزش‌ها، شناخت آن‌هاست. به عبارت دیگر، مربی باید بداند دقیقاً چه مسائلی برایش مهم است و ترتیب و اولویت رعایت آن‌ها در نزد خودش چیست. پیداست که یافتن و فهرست کردن این ارزش‌ها مستلزم اندیشیدن به آن‌هاست. در مواردی که فرد یا افراد دیگری در این انتقال ارزش‌ها به فرزند او شریکند، آن‌گاه بایستی آنان را هم شریک نامید و با هم فهرست کرد. یعنی در خانه، پدر و مادر هر دو بایستی به ارزش‌های خود بیندیشند و با هم به توافق برسند که کدام از نظر آن‌ها مهم بوده و مایلند آن را به فرزندشان انتقال دهند. از سوی دیگر، اولیای یک مدرسه ابتدا بایستی با هم به توافق برسند که به عنوان مثال در رفتار فلان دانش‌آموز چه ارزش‌هایی را مایلند ببینند، تا آن را به کمک هم فهرست کنند و با افراد مؤثر مانند معلمان در میان بگذارند.

برای مثال در خانواده آقای فلانی پدر و مادر هر دو اهل مطالعه‌اند و مطالعه برایشان مهم است؛ یعنی برای هر دو ارزشی مهم است و مایلند این ارزش را به فرزندشان نیز منتقل کنند. این دو در این مورد صحبت و توافق کرده‌اند که برای تحقق این موضوع با هم کار کنند

### ارزش‌های مدرسه‌ای

در مدرسه، اولیای مدرسه‌ای در جمع‌بندی تجارب و نظرات معلمان خود به این نتیجه رسیده‌اند که اخیراً احترام لازم و کافی از جانب دانش‌آموزان نسبت به معلمان رعایت نمی‌شود؛ از این‌رو درونی کردن این ارزش، یعنی احترام به بزرگ‌ترها خصوصاً به معلمان و اولیای مدرسه از ارزش‌هایی است که در فهرست انتقال به دانش‌آموزان قرار گرفته است.

این اولین قدم در نحوه انتقال ارزش به فرزندان یا دانش‌آموزان است. اما تجربه نشان داده که گاهی افراد در تشخیص ارزش‌های خود دچار سردرگمی می‌شوند یا در یافتن آن مرعوب جو یا تابع جمع هستند. بایستی وقت گذاشت، انتظار نداریم با کمی فکر کردن سریعاً به فهرست برسیم. در گفت‌وگو با معلمان و اولیا گاهی برای این که نقطه شروعی برای فکر کردن در گروه داشته باشیم، از سؤالات خیالی استفاده می‌کنیم. این سؤالات ساده فانتزی، به طور غیرمستقیم نظام ارزشی فرد را به چالش می‌گیرد

و کمک می‌کند به آن‌چه برایش مهم است بیندیشد. نمونه سؤالات در خانه زیر ارائه شده است. اگر قادر باشید تا شماره بعد که دیگر مراحل انتقال نیز گفته می‌شود، با خود خلوتی داشته باشید و ببینید ارزش‌هایتان چیست و به عنوان یک والد و یک معلم دوست دارید کدام ارزش را به فرزند یا دانش‌آموز خود انتقال دهید، از سؤالات زیر می‌توانید برای شروع استفاده کنید.

### به این سؤالات پاسخ دهید:

۱. به شما یک روز آزاد و فارغ از هرگونه مسئولیت و کار اعطا می‌شود؛ دوست دارید در چنین روزی چه بکنید؟
۲. اگر مبلغ ۱۰۰ میلیون به شما می‌دادند و شما مجبور به خرج کردن آن در ۲۴ ساعت بودید، با آن چه چیز(ها) را تهیه می‌کردید؟
۳. اگر شما را به یک جزیره متروکه انتقال می‌دادند و می‌گفتند فقط سه چیز می‌توانید به همراه خود ببرید، چه چیزهایی را با خود می‌بردید؟
۴. اگر به شما بگویند سه آرزو کنید، حتماً برآورده می‌شود، شما چه آرزوهایی می‌کردید؟
۵. سه خصوصیت رفتاری و اخلاقی که در دیگران می‌پسندید و مایلید بیشتر در خود رشد دهید، چیست؟
۶. اگر دور از جان (ان‌شاءالله که هزارساله باشید) به شما بگویند که فقط دو روز از عمرتان باقی مانده، کدام یک از اعمال عقب افتاده‌تان را انجام می‌دادید؟
۷. اگر اجازه سه درخواست از فرزند/شاگردتان می‌داشتید و آن‌ها ملزم به اجابت بودند، آن سه درخواست چه می‌بود؟
۸. اگر می‌توانستید یک چیز را در دنیا تغییر دهید، آن چیز چه بود؟